

بررسی نظام فکری – سیاسی جامعه ی ایران - براساس کهن الگویی اساطیری (جم)

جم (= جمشید) به عنوان نخستین پادشاه روی زمین و سرزمین او در دوران طلایی خود در اندیشه‌ی ایران باستان، حکم بر تکرار کهن – الگویی پادشاهی در تاریخ ایران می‌دهد. ویژگی‌های جم که انتصابش به شاهی از سوی خود اهورامزدا صورت می‌گیرد، به جهت آسمانی بودنش قدسی و غیرقابل تغییر است. اعتلا و کمال سرزمین، وابسته به وجود شخص شاه است. شاه نیک سرزمین نیک دارد و اگر شاه به هر دلیل فره‌ی خود را از دست بدهد، سرزمینش نیز همراه با خود او محکوم به سقوط و اضمحلال یا فنا است.

ی ایران shy& بررسی نظام فکری – سیاسی جامعه
براساس کهن shy& الگویی اساطیری (جم)

مینو امیر قاسمی

فهرست

نظام فکری – سیاسی جامعه shy& ی ایران بر اساس کهن shy& الگویی اساطیری

چکیده

مقدمه

طرح مساله و اهمیت آن

مبانی نظری

1- جم الگویی شهریاری

2- وظایف سه shy& گانه shy& ی جم 5

3- گناه جم 6

4- خدمات دوره shy& ای فرمانروایی 8
جم

5- جم در شاهنامه 9

نتیجه shy& گیری 11

منابع 13

چکیده

اسطوره به عنوان فرمی از اندیشه حامل کهن - الگو (آرکه‌شناسی؛ تیپ‌های مختلفی است که مکرر کردن آن الگوهای مقدس، نظم و نظام مقبول و مطلوب جامعه را تعیین می‌کند).

جم (= جمشید) به عنوان نخستین پادشاه روی زمین و سرزمین او در دوران طلایی خود در اندیشه‌شناسی؛ ایران باستان، حکم بر تکرار کهن - الگوی پادشاهی در تاریخ ایران می‌دهد. ویژگی‌شناسی؛ های جم که انتصابش به شاهی از سوی خود اهورامزدا صورت می‌گیرد، به جهت آسمانی بودنش قدسی و غیرقابل تغییر است. اعتلا و کمال سرزمین، وابسته به وجود شخص شاه است. شاه نیک سرزمین نیک دارد و اگر شاه به هر دلیل فره‌شناسی؛ خود را از دست بدهد، سرزمینش نیز همراه با خود او محکوم به سقوط و اضمحلال یا فنا است.

نگارنده در این نوشته سعی کرده است تا دوام تاریخی یک الگوی اساطیری را نشان دهد و معتقد است که رهایی از دایره‌شناسی؛ بست‌شناسی؛ ی کهن - الگوها مستلزم شناخت ریشه‌شناسی؛ ای آنهاست.

واژگان کلیدی: جم، کهن‌شناسی؛ الگو، شهریار، ایزدمهر، گناه جم، فره، وظایف جم/شهریار.

مقدمه

در یک بافت اجتماعی، قدرت را می‌توان به عنوان یک پدیده‌شناسی؛ اجتماعی که در برقراری روابط اجتماعی بروز می‌کند، توانایی تعیین رفتار دیگران قلمداد نمود. گرچه فلاسفه و نظریه‌پردازان از زمان افلاطون و ارسطو به مسئله‌شناسی؛ فرمان‌برداري و فرمان‌فرمایی توجه کرده‌اند اما موضوع قدرت و اعمال آن در اجتماع هنوز یکی از پیچیده‌ترین مسائل جامعه‌شناسی؛ به شمار می‌رود.

اهمیت ساختار قدرت در جامعه و پیامدهای آن این مقوله را از حد یک موضوع سیاسی فراتر می‌برد و درک آن را با بررسی‌شناسی؛ های جامعه‌شناسی؛ شناختی ممکن می‌سازد.

در برپایی هر جامعه و حاکمیت قدرت سیاسی، فکری، فرهنگی و اقتصادی در نظام آن، مواردی وجود دارد که تفسیر و تحلیل آنها مستلزم شناخت کهن‌شناسی؛ الگوهای آن است. گاهی این مسئله جز با نگرش ژرف به اساطیر و تحلیل نمونه‌شناسی؛ های اولیه هستی در شکل اندیشه اساطیری ممکن نمی‌شود.

این الگوها به عنوان نمونه‌شناسی؛ های مقدس و آغازین توسط نظام دینی اقوام اسطوره‌شناسی؛ پرداز ساخته و پرداخته شده و در اختیار آفریده‌شناسی؛ های جهان مادی قرار گرفته‌اند تا نمونه و تکرار شوند. خروج از قانون این الگوها تجاوز به ساحت قدسی آنها قلمداد شده و ممنوع است و این الگوی آغازین سرمشق جوامع می‌گردد.

تأکید بر چنین نظامی در اندیشه‌شناسی؛ های اجتماعی در مناطقی که با حضور واقعی یا تشریفاتی فردی در رأس قدرت مواجه هستیم بیشتر به چشم می‌خورد و سیر و بررسی این نظام‌شناسی؛ ها خصوصیات مشترک در باره‌شناسی؛ ی آنها به دست می‌دهد. اگرچه بررسی علل تدوام چنین الگوهای در این جوامع مهم‌شناسی؛ تر از بررسی صرف چگونگی به وجود آمدن این نظام‌شناسی؛ ها و اندیشه‌شناسی؛ ها به نظر می‌رسد ولی توجه به این نکته ضروری است که اگر چگونگی آنها شناخته نشود بررسی علل حضور و تدوام آنها تا به امروز ممکن نخواهد بود.

طرح مسئله و اهمیت آن

جامعه‌شناسی؛ ی ایرانی یقیناً یکی از نمونه‌شناسی؛ های نادری است که با وجود رویارویی با حوادث تاریخی بسیار پابرجا مانده است. شاید یکی از دلایل این پابرجایی شگفت‌شناسی؛ انگیز تمایل در حفظ الگوها، چه اساطیری و چه سنتی در جامعه‌شناسی؛ ی ایران باشد. در دوره‌شناسی؛ های مختلف تاریخی شرایط و نیازهای جامعه به گونه‌شناسی؛ ای زیرکانه در قالب کهن‌شناسی؛ الگوهای آغازین فرو رفته و ایران را در برابر حوادث و تندبادهای تاریخ حفظ نموده است؛ چنین محافظتی لزوماً در تمامی ابعاد، نتیجه‌شناسی؛ ای مثبت به بار نیاورده است.

هر چند کهن‌شناسی؛ الگوها یا نمونه‌شناسی؛ های آغازین بنا به ضرورت‌شناسی؛ های تاریخی گاهی جابه‌جایی‌ها می‌شوند، وظایفشان تحدید یا تکثیر می‌گردد یا گاهی تغییر چهره می‌دهند اما ستون استوار ساختار این الگوها با تلاش اقوام و با قدرتی اعجاب‌آور حفظ می‌شود و ستونی سخت و انعطاف‌ناپذیر در برابر تحولات و تغییرات لازم می‌سازد.

به عنوان نمونه، فره‌شناسی؛ ی یکپارچه‌شناسی؛ ی شاهی جم، در دوره‌شناسی؛ ای که ظاهراً نیروهای سیاسی حاکم ایجاب می‌کند، به سه فره‌شناسی؛ ی اساطیری تقسیم می‌شود و این تقسیم قدرت شاه آغازین منجر به شکل‌گیری کهن‌شناسی؛ الگوی می‌شود که در طول تاریخ شاهنشاهی ایران حفظ می‌گردد و در دوران اخیر آن را به صورت شعار «خدا - شاه - میهن» به خاطر داریم.

این مقاله قصد آن دارد با بررسی چگونگی شکل‌گیری کهن‌شناسی؛ الگوی شهریار در اساطیر ایرانی عناصر اولیه‌شناسی؛ ی تشکیل نظام فکری - سیاسی در جامعه‌شناسی؛ ی ایران را با توجه به این نکته که دایره‌شناسی؛ ی ارزش‌شناسی؛ های اساطیری با دایره‌شناسی؛ الگوها در دوره‌شناسی؛ های بعدی تفاوت کیفی دارد، باز شناسد.

مبانی نظری:

1- جم الگوی شهریار

جم (Jamšhid), (Jam) در زبان پهلوي و در اوستا (Yima) و در سنسکريت (Yama) يکي از چهره‌ها؛shy­هاي کهنسال ادبيات اساطير هند و ايراني است، او نه تنها در قلمرو اساطير بلکه در اندیشه‌shy­ي تاريخي ايرانيان به عنوان کهن‌shy­الگوي شهرياري در ايران، جاياگاه، ويژگي‌shy­ها و وظائف مختص به خود دارد. جم از موهبت‌shy­هايي ازلي و ابدي برخوردار است و همين مسأله در قالب اندیشه حاکم بر تاريخ فکري – سياسي ايرانيان به يکي از علل اساسي رکود و انجماد حرکت‌shy­هاي سياسي – حکومتي مبدل مي‌shy­گردد.

اينجاست که واقعيت ستر تاريخي از درون ساختار اسطوره‌shy­اي سر بر مي‌shy­کشد و وقتي زمان اسطوره به سر مي‌shy­آيد هنوز منافع گروه‌shy­ها و دسته‌shy­جاتي بر حفظ و محافظت برخي از جنبه‌shy­هاي آن و رد برخي ديگر حکم مي‌shy­کند و آنها را از دسترس تغييرات تاريخي دور مي‌shy­کند، آنگاه چهره‌shy­ي زيباي اسطوره به جهت تناسب با زمان با سودجويي‌shy­ها آلوده شده و اين بار هيبت اسطوره در هيأت تاريخ واقعي ساخته مي‌shy­شود.

«در اساطير ودائي جم سرور جهان مردگاني است که به سعادت ابدي رسيده‌shy­اند يعني فرمانرواي بهشت برين ... او حتي گاه نام خداوند دارد هر چند مشخصاً و مستقيماً به اين نام خوانده نشده و تنها سمت مشخص او شاه بودن است» (بهار؛ 1373: 601 – 175).

جم، چنانکه طبيعت اساطير، شخصيت‌shy­ها و پديده‌shy­هاي آن ايجاب مي‌shy­کند به مرور زمان و در ميان اقوام متعدد آريايي جلوه‌shy­هاي گوناگون به خود مي‌shy­گيرد. گاهي به صورت نخستين انسان، گاهي در کسوت پادشاه سرزمين مردگان و گاهي همراه با خواهرش «يمي» (Yami) در مقام نخستين پدر و مادر ابناي بشر و متصف به صفاتي چون «حامي»، «نگهبان»، «راهبر»، «نجات‌shy­بخش» و «گسترنده‌shy­ي زمين» متجلي مي‌shy­شود. جلوه‌shy­ي شهرياري جم وجه مشترک همه‌shy­ي نقش‌shy­ها و چهره‌shy­ها است و در منابع متأخر ايراني او را فقط در همين نقش به عنوان نخستين شهريار جهان مي‌shy­باييم.

او در آغاز قدرت و اسباب شهرياري را از هرمزد مي‌shy­گيرد و خود نيز تجلي عيني و زميني يکي از قدرتمندترين ايزدان (مهر) است. سرزمين تحت سلطه و فرمانروايي جم مدينه فاضله‌shy­اي است که با لغزش و خطاي شخص پادشاه فرو مي‌shy­پاشد.

جم در تدارک فرمانروايي خود از نيروهاي آسماني ياري مي‌shy­گيرد و خواسته‌shy­هاي او تسلط بر همه‌shy­ي سرزمين‌shy­ها و مردمان و ديوان، پروردن رمه‌shy­ها، برچيدن ميرايي از جهان هستي، مهار کردن نيروهاي منفي طبيعت، ناميرندگي چهارپايان و مردمان و پاين‌shy­ناپذير کردن آنها و گياهان است، او با دست يافتن به توانايي‌shy­هاي مطلوب و کمال آرزوي خويش به فرمانروايي هفت کشور، مردمان ديوان و پريان دست مي‌shy­يابد و نمونه‌shy­ي کامل يک فرمانروا مي‌shy­گردد.

از آنجا که مطابق متن ونديداد شهرياري جم با پيشنهاده هرمزد حاصل مي‌shy­شود پس اساساً شهرياري وديعه‌shy­اي ارزاني شده از سوي برترين قدرت آسماني است و مردمان در انتخاب او نقشي ندارند؛ هم‌shy­چنانکه در بد و خوب مُلک.

«آنگاه اي زردشت، من که اهورامزدا هستم، به او [جم] گفتم: ... پس جهان مرا فراخ کن، پس جهان مرا بيالان، پس حامي، پاسدار و نگهبان جهان من باش! ... آنگاه جم زيبا به من چنين پاسخ داد: من جهان تو را بيالانم، من جهان ترا حامي، پاسدار و نگهبان باشم. در فرمانروايي من نه باد سرد باشد نه باد گرم، نه بيماري نه مرگ» (کريستين سن؛ 1368: 302).

در آثاري که به ما رسيده، جم، شباهت‌shy­هاي مشخص و غيرقابل انکاري با ايزدمهر دارد و اين ارتباط و پذيرش بسياري از وظائف مهر از جانب جم به عنوان شهريار روي زمين ارتباط ازلي او را با خدايان تأييد کرده و اين اعتقاد نيز اعتباري ازلي مي‌shy­يابد.

«مهر در اصل ايزدي است شريک در فرمانروايي جهان، برکت بخشنده و حامي پيمان. سپس در اثر تحولات اجتماعي اين ايزد در جامعه‌shy­ي ايراني تبديل به ايزد همه‌shy­ي طبقات مي‌shy­گردد و در کنار وظائف برکت‌shy­بخشي و حمايت از پيمان وظائف جنگي بسياري بر عهده‌shy­ي او گذاشته مي‌shy­شود و در نتيجه مهر، تبديل به ايزدي مي‌shy­شود که حامي هر سه طبقه سنتي جامعه است» (بهار؛ 1362: 49 – 48) پايه‌shy­ياي تغيير نقش مهر چهره‌shy­ي جم نيز مطابق ويژگي‌shy­هاي ايزد زمانه‌shy­ي خويش تغيير مي‌shy­کند و در هر دوره‌shy­اي همان شکل به عنوان صورت ازلي معرفي مي‌shy­شود.

هر شهرياري مانند جم وظائف و خصوصيات الهي را به خود مي‌shy­گيرد و حاکم خداگونه روي زمين مي‌shy­شود به اين ترتيب ايزد در هر زمان خصوصيات خود را به شهريار همان دوران منتقل مي‌shy­کند.

جم همان کارهايي را روي زمين انجام مي‌shy­دهد که ايزدمهر در آسمان، جم نمايند‌shy­e؛shy­ي آسماني مردم، نيابشگر و قرباني‌shy­کننده و عامل پيوند انسان و طبيعت است، از آنجا که او حامي مردم، چارپايان، گياهان و انتظام‌shy­بخش مردمان است، مدينه فاضله‌shy­ي وي نيز مثل نمونه‌shy­ي آسماني آن، از فروغ کمال و بي‌shy­مرگي منور است. جم با نيروهاي آسماني پيوند دارد. او علاوه بر اين که فرمان و نشان شاهي خود را از هرمزد مي‌shy­گيرد، براي انجام کارهاي ديگر به نيروهاي آسماني متوسل مي‌shy­شود. او با نيایش و قرباني و نذرهايي که براي نيروهاي مختلف مي‌shy­کند به آرزوهايش دست مي‌shy­يابد (بندهايي از بشت 5 و 9 و 13 و 15 و 17 اوستا) و به اين ترتيب با به دست آوردن توانايي و رسيدن به کمال لازم نمونه‌shy­ي کاملي از شهرياري و فرمانروايي را ارائه مي‌shy­دهد. چنين کمايي منحصر به جم و تاريخ اساطيري ايراني نيست و در جاهاي ديگر نيز نظاير اين قدرت را سراغ داريم مثلاً فرمانروايان مصر در طول حيات خود منزلت خدائي داشتند. «... او نه تنها مدعي سلطنت بر مصر که مدعي تسلط بر همه‌shy­ي سرزمين‌shy­ها و ملت‌shy­ها بود، سرتاسر عالم از شرق تا غرب همه گستره‌shy­ي مدار عظيم خورشيد آسمان و آن چه در آن قرار دارد، زمين و هر چه روي آن هست، هر جانوري که بر دو يا چهار پا راه مي‌shy­رود، همه‌shy­ي پرندگان و جنبنندگان همه‌shy­ي جهان داشته‌shy­هايش را به او پيشکش مي‌shy­کند. در واقع آن چه که بر – خورشيد – خدا اطلاق مي‌shy­شد به طور جزمي به فرمانرواي مصر قابل اسناد بود عناوين او مستقيماً از عناوين خورشيد – خدا اخذ مي‌shy­شد» (فريرز؛ 1383: 145).

با تمام اين احوال، اين مبناي ايزدي شهريار، به آن معنا نيست که او صاحب و مدعي قدرت مطلق گردد. «اگر کسي گستاخي کند و مبناي ايزدي شهرياري را دستاويزي براي خداوندگاري در روي زمين ببيند... ديگر گوهر شهرياري از او دور شده است. فره‌shy­ي ايزدي از وي مي‌shy­گريزد و او به سرنوشت جمشيد و ضحاک و خواري‌shy­هاي کاووس دچار خواهد شد» (پرهام؛ 1373: 54) با اين همه، اگر هم فرد برگزيده‌shy­ي فره‌shy­مند به دليل خطايي عظيم، بي‌shy­فره و مغضوب شود، جاياگاه، منزلت، نقش و کليت چنين نظامي، پابرجاست و فرد ديگري را با همان شرايط در خود جاي مي‌shy­دهد.

2- وظائف سه‌shy­گانه‌shy­ي جم

وظايفي که به عهده‌shy­ي جم، نخستين نمونه‌shy­ي شاهي در روي زمين گذاشته مي‌shy­شود، الگو و تعيين‌shy­کننده‌shy­ي وظائف دائمي کسي است که بر بالاترين مسند قدرت قرار مي‌shy­گيرد. که در طول تاريخ شاهنشاهي در ايران به گونه‌shy­ي تکرار مي‌shy­شود.

جم با وجود تقدس آغازينش اسير تحولات تاريخي مي‌shy­شود و در هر دوره وظيفه‌shy­ي ديگرگونه بر عهده‌shy­اش گذاشته مي‌shy­شود. تقدس ازلي چهره عوض

می‌شود؛ چرا که این در واقع چهره‌ی shy؛ زمین‌ی شهریار هر دوره است که این بار به آسمان منعکس می‌شود. در تلاش برای نشان دادن وظایف او، بهار می‌نویسد:

«سه جنبه بودن فره‌ی shy؛ جمشید که علاوه بر برکت‌ی shy؛ بخشی معرف ریاست او بر حکومت، دین و بر پهلوانان بوده است می‌شود؛ تواند گویای ساختمان ابتدایی قبایل هند و اروپایی باشد که در آنها ظاهراً رئیس قبیله خود جادوگر و پهلوان نیز بوده است. در اساطیر هند و اروپائیان، مصریان، هیتی‌ی shy؛ ها و فنیقی‌ی shy؛ ها نیز این امر به چشم می‌خورد. در داستان فریدون او ضمن آن که پهلوان و شاه است به هنگام باز آمدن فرزندان از سفر ازدواج، جادویی می‌شود؛ کند و به چهره‌ی shy؛ ی ازدها به آنان نمودار می‌شود؛ گردد. ادامه‌ی shy؛ ی این سنت قبیله‌ی shy؛ ی را در کارنامه‌ی shy؛ ی اردشیر بابکان می‌شود؛ توان دید. نسبت خاندان مادری او به موبدان و نژاد پدرش به شاهان کیانی می‌شود؛ رسد و پدرش خود چوپانی است بدین گونه است که در افسانه‌ی shy؛ ی فوق، اردشیر، مظهر اتحاد سه طبقه‌ی shy؛ ی اصلی اجتماع می‌شود؛ گردد» (بهار؛ 1362: 178). به نظر می‌شود؛ رسد این سه وظیفه، سه قوه‌ی shy؛ ی تحت اختیار پادشاه را در آن دوره مشخص و یا تعیین می‌شود؛ کند. کشورگشایی و افزودن به سرزمین‌ی shy؛ ی‌های تحت سلطه وظیفه‌ی shy؛ ی جنگاوری، بالاندن جهان وظیفه‌ی shy؛ ی موبدی و برکت‌ی shy؛ ی بخشی و سالاری جهان هر مزد آفریده، وظیفه‌ی shy؛ ی شهریار پادشاه را بیان می‌شود؛ کند. در دوره‌ی shy؛ ی‌های مختلف این سه وظیفه متناسب با قدرت گرفتن یا تضعیف روحانیان، جنگاوران یا خود شاه از طرف ایزد تفکیک یا یکی می‌شود؛ شود ولی به هر حال شاه شاهان است که این وظایف یا آثار آن در وجود او به جا می‌شود؛ ماند. مثلاً نمایندگی قوای روحانی او به صورت مجرد آسمانی و انتخابی بودن شاه تجلی می‌شود؛ کند؛ وظیفه‌ی shy؛ ی جنگاوری او به شکل تسلط بر امور نظامی و سران سپاه مجسم می‌شود؛ شود و وظیفه‌ی shy؛ ی سالاری و شهریار جهان هویت مطلق او را تشکیل می‌شود؛ دهد.

3- گناه جم:

یکی از نکات قابل توجه در شهریار جم مسأله‌ی shy؛ ی گناه کردن اوست که با ارتکاب یک خطا یا گناه کمال ملک و مملکت او از هم می‌شود؛ باشد و در کلیه‌ی shy؛ ی دیده‌ی shy؛ ی‌های هستی تحت فرمان او نقص حادث می‌شود؛ شود.

این مسأله تنها یک امر اساطیری نیست و انعکاس آن در نظام فکری مردمان، سازنده و تدوam‌ی shy؛ ی بخش این اعتقاد است که اگر پادشاهی خوب باشد همه چیز خوب و اگر بد باشد همه چیز ناقص و بد خواهد بود. مردمان مسئولیتی ندارند و تنها اراده‌ی shy؛ ی فرد برگزیده تعیین‌ی shy؛ ی کننده است. «جم فرمانروای دورانی از شکوه است که در طی آن سعادت عاری از آمیختگی بر زمین حکمرانی می‌شود؛ کرد، شاهی که سقوط غم‌ی shy؛ ی انگیزش که نتیجه‌ی shy؛ ی غرور وی بود، بدبختی‌ی shy؛ ی‌های بی‌شمار را برای مردم به همراه آورد» (کریستن سن؛ 1368: 283).

خطای جم هر چه که باشد (آموختن گوشت‌ی shy؛ ی خواری به مردم، نپذیرفتن مسئولیت دینی، ادعای خدایی یا دروغ گفتن) نه تنها خود او بلکه جهان را گرفتار پریشانی و سختی می‌شود؛ کند.

گرچه، جم و نمونه‌ی shy؛ ی‌های اساطیری نظیر او، از تقدسی ازلی برخوردارند، ولی تاریخ و قدرت جوامع، در طول زمانی دراز، متناسب با نیازهای خود چهره‌ی shy؛ ی مقدس را تغییر می‌شود؛ دهند ولی کماکان به چهره‌ی shy؛ ی جدید ساخته و پرداخته‌ی shy؛ ی خود جلوه‌ی shy؛ ی تقدس می‌شود؛ دهند تا حافظ خواسته‌ی shy؛ ی‌ها و نیازهاشان باشد. مثلاً در همین امر گناه ورزیدن جم، در دوره‌ی shy؛ ی‌ای گناه جم موجب گریز فره از او می‌شود؛ شود و از این مسأله می‌شود؛ توان چنین نتیجه گرفت که برای فرار فره و تفکیک آن به سه فره و تعلق آن به روسای سه گروه جامعه یعنی مؤبدان، ارتشتاران و کشاورزان باید منطقی وجود داشته باشد: جم متهم به انجام گناه می‌شود؛ شود برای این که لازم است تمرکز قدرت از بین برود و طبق نیاز حکومت تفکیک یا تعدیل قدرت سیاسی صورت گیرد شاید برای این که دیگر مهر یعنی ایزد مرتبط با جم در مقابل اهوره مزداي زرتشت به خدای درجه دوم تبدیل می‌شود؛ شود و لذا جم نیز همانند او باید درجه‌ی shy؛ ی‌ای از درجات خود بکاهد و بخشی از قدرت یکپارچه‌ی shy؛ ی خود را به نیرویی دیگر بدهد و شاید برای این که دین «نو» را نپذیرفته است و یا اصول آن را زیر پا می‌شود؛ گذارد.

این نمونه‌ی shy؛ ی ازلی شهریار در دوره‌ی shy؛ ی‌ای shy؛ ی از زندگی خود، به پادشاهی تبدیل می‌شود؛ شود که تنها ریاست عامه مردم را به دست دارد و روسای دو قدرت دیگر را باید به رسمیت بشناسد و به استقلال آنها در امر حکومت احترام بگذارد (بندهش؛ 1369)

وقتی جم ادعای خدایی می‌شود؛ کند، در آسمان‌ی shy؛ ی‌ها سیر می‌شود؛ کند و مؤبدان را صرفاً برای نیایش به کوهستان تبعید می‌شود؛ کند (مطابق شاهنامه) زمانی است که پادشاه پا از گلیم خود فراتر می‌شود؛ گذارد زیرا غافل از این است که همین مؤبدان واسطه‌ی shy؛ ی‌های عملی تفویض قدرت شاهی از آسمان به او هستند و اگر شاه بخواهد قدرت مطلق باشد، با حکمی ساده قدرت را تجزیه می‌شود؛ کنند، فره را از او می‌شود؛ گیرند و قدرت او را تنها محدود به ریاست عامه مردم می‌شود؛ کنند.

قدرت واحد مستتر در وجود شاه برای تسلط بر مردم اینک با حفظ ظاهری قدرت مرکزی به سه بخش تقسیم می‌شود؛ شود و نمایندگان هر بخش ریاست مستقل و قدرتمندی را صاحب می‌شوند. این آغاز چرخش قدرت از یک فرد به افراد مختلف است، موضوعی که در اساطیر و تاریخ ایران پیوسته اتفاق می‌شود؛ افتد.

جمشید که فرمانروای مطلق جامعه‌ی shy؛ ی‌ای بدون طبقه بود و کلیه‌ی shy؛ ی نیروهای مذهبی و پهلوانی را در اختیار داشت، در دوره‌ی shy؛ ی‌ای اساساً به فرمانروای یک طبقه در یک جامعه‌ی shy؛ ی‌ای سه (یا چهار طبقه) که زیر سلطه‌ی shy؛ ی مؤبدان است تبدیل می‌شود؛ شود. توجه به این نکته لازم است که به این ترتیب متأخرترین وظیفه‌ی shy؛ ی جمشید بنیان نهادن ساختار طبقاتی جامعه است تا نظم مطلوب در آن برقرار شود و هر کس جایگاه خود را بداند و این نظم دادن به ساختار جامعه به عنوان شکلی ازلی باز به شهریار منتسب و باز نخستین الگو در این زمینه می‌شود؛ شود.

مؤبدان نخستین گروهی هستند که وظایف و محل انجام وظیفه‌ی shy؛ ی‌شان را جمشید تعیین می‌شود؛ کند و در این تقسیم‌ی shy؛ ی‌بندی با ایجاد جنگ قدرت بین شاه و مؤبدان، مسأله‌ی shy؛ ی‌ای گناه جم و گریختن فره از او پیش می‌شود؛ آید یعنی زمانی که دست مؤبدان که بخشی از آنها سران لشکری نیز بوده‌ی shy؛ ی‌اند از قدرت نظامی کوتاه می‌شود؛ شود و جمشید آنها را برای نیایش به کوه می‌شود؛ فرستد مؤبدان تصمیم می‌شود؛ گیرند این بار فره را به کسی بپارند که بدون حمایت آنها، خود قدرت دست‌ی shy؛ ی‌یابی به حکومت را ندارد. این نظام فکری – سیاسی در طول تاریخ با حفظ تقدس ازلی ریشه‌ی shy؛ ی اساطیری خود، منطق برپایی حکومت مرکزی و محوریت یافتن قدرت و قانون با تجلی آن در وجود فرد برگزیده را در جامعه‌ی shy؛ ی ایران استوار می‌شود؛ کند و اطاعت بی‌ی shy؛ ی‌چون و چرا از جانب جمع را رفتار لازم و اجباری جامعه می‌شود؛ سازد.

تداوم این اصل و اندیشه را به صورت منسجم در آراء فیلسوفان دوره‌ی shy؛ ی‌های بعدی می‌شود؛ بینیم چنانکه فارابی معتقد است: «... استقرار مدینه‌ی shy؛ ی فاضله در صورتی امکان‌ی shy؛ ی‌پذیر می‌شود؛ گردد که رئیس فردی باشد که بتواند قبول فیوضات عقل فعال نماید... موجودی که سبب اول سایر موجودات بود و از همه نقایص بری بود و هر چه جز اوست از نقصی از نقائص خالی نیست» (فارابی، به نقل از طباطبایی؛ 1367: 16) در واقع رئیس اول مدینه‌ی shy؛ ی فاضله‌ی shy؛ ی فارابی از سویی همان جایگاهی را اشغال

وظایف shy&شان در مقابل مردم، گیاهان و سایر جانداران است.

اگرچه ضرورت shy&های تاریخی زمانه و آگاهی فردوسی از انحراف شاهان روزگار خود، او را از زیر سیطره shy&ی اقتدار مطلق "جم" بیرون می&کشد و مثلاً از کیخسرو شهریاری خردمند می&سازد، چنان که «کیخسرو به درگاه الهی می&نالد و از خدا می&خواهد که پیش از دچار شدن به وسوسه خوکامگی و افتادن به سرنوشت جمشید و ضحاک و کاووس جانش را بگیرد» (پرهام؛ 1373: 71). با این همه آثار الگوار و اساطیری، وظایف شهریاری را کماکان در جمشید می&بینیم. درواقع این جم اساطیری نیست که به خاطر خودکامگی shy&اش، فره از او گرفته می&شود، بلکه فرمانروایان روزگار فردوسی است که در کالبد حجم شکسته و تنبیه می&شوند.

نتیجه shy&گیری:

نظام فکری سیاسی ایرانی با گرفتار شدن در قالب اندیشه shy&ی اساطیری «شهریاری» و در نتیجه گرفتار شدن در چارچوب نظام حکومتی خاصی، در طول تاریخ به حرکت خود ادامه داده است. شخصیت shy&های حکومتی در تاریخ پادشاهی ایران با خصوصیات و ویژگی shy&های مختلف و گاه شاید متضاد، برای مردم به یک نحو حامل عناصر خودکامگی بوده shy&اند؛ زیرا کهن shy&الگوی نظامی سیاسی و پادشاهی تعیین کننده shy&ی آن بوده نه ویژگی shy&های افراد؛ و مهره shy&های حکومتی هیچگاه خارج از آن، قدرت حرکت را نخواهند داشت. به این ترتیب جایگاه تاریخی شهریاری با رعایت شرایط زمانی خاص هر دوره، تفاوتی با الگوی اسطوره shy&ای خود نشان نمی&دهد و شکوه نیک shy&خواهی و حمایت خداگونه shy&ی نخستین شهریاری از مردم زمانه shy&ی خویش به تدریج جای خود را به سلطه shy&ی همه جانبه و اقتداری مستبدانه می&دهد.

اعتقاد مردم به تسلط شاه بر طبیعت نظیر تسلط بر رعایای خود باعث شد که در دوران shy&های بعد بروز هر حادثه shy&ی طبیعی مثل سیل، قحطی یا طوفان را به بد اقبال، غفلت یا گنهارکاری فرمانروای خویش نسبت دهند چرا که باوری چنین حاکم است که «... شاه نقطه shy&ی اتکاء است و تعادل هستی بر او بسته است و کوچک shy&ترین بی shy&قاعدگی از جانب وی ممکن است آن تعادل را بر هم زند باید سخت مراقب خود و نیز تحت مراقبت باشد و همه shy&ی زندگی shy&اش تا کوچک shy&ترین جزئیات چنان تنظیم گردد که هیچ عمل او، ارادی یا غیرارادی، نظم مستقر طبیعت را خدشه shy&دار نکند یا بر هم نزند...» (فریزر؛ 1383: 215). امثال چنین عقایدی باعث شده که به تدریج شاه نماینده shy&ی یا حامل اراده shy&ی طبیعت و مردم شود و لذا باید چنان رفتار کند که به نفع مردمان و طبیعت باشد. در واقع رفتار و وجود شخص فرمانروا/شاه تعیین shy&کننده shy&ی هر چیزی می&شود.

از سوی دیگر مسئله shy&ی انتصاب شهریاری (جم) از سوی برترین نیروی آسمانی (هرمزد) ارتباط شاه را با آسمان تأیید و تقویت می&کند؛ چنان باوری، هسته shy&ی اولیه shy&ی این تصور است که شاه جلوه shy&ای از خدا و قدرت الهی است. جم سعادت و خوشی مطلق، نامیرندگی و اعتدال در کل هستی را به عنوان فردی برگزیده به ودیعه می&گیرد و نمونه shy&ای برای شاهان بعدی می&شود تا کمال shy&طلبی و آرمان shy&خواهی، الگوی شهریاریان بعدی شود.

«این تصور انسان – خدا یا انسانی برخوردار از نیروی الهی به دوره shy&ی اولیه shy&ی تاریخ دین باز می&گردد که خدا و انسان از یک سنخ پنداشته می&شوند» (فریزر؛ 1383: 132). جم صورت عینیت یافته shy&ی ایزدمهر است و این باور بن و اساس باورهای بعدی را که شاه را جلوه shy&ی ایزدی برای رهبری مردم و هستی مادی می&داند تشکیل می&دهد. شباهت shy&های جم با مهر بعدها به ارتباط کلی هر شاهی با آسمان منتهی می&شود. در دوره shy&ی پیش از زرتشت در اعتقادات مهرپرستان هند و ایرانی چنین باوری که شاه را جلوه shy&ی مادی برترین نیروی آسمانی در زمین می&داند وجود داشته است و پس از زرتشت نیز هر چند در «گاهان» فقط یک بار از جم سخن به میان آمده ولی به خاطر اهمیت وجود شهریاری و ارتباط آسمانی shy&اش، جم بار دیگر بر سر جایگاه خود در آثار و اندیشه shy&ها باز می&گردد. بنابراین از آنجا که شهریاری تجلی یا نماینده shy&ی برترین نیروی آسمانی است در دوره shy&های بعد نیز به جای ویژگی shy&های مهر، ویژگی shy&های هر خدای برتری را در خود جای می&دهد. این اعتقاد حتی در دوره shy&ی اسلامی که اعتقاد به خدای واحد جای نیروهای متعدد آسمانی را می&گیرد علاوه بر ظل shy&الله بودن سلطان، به صورت تشویق پادشاهان به کسب صفات الهی یا حتی انتساب برخی از صفات الهی مثل عدل و رحم به شاهان با وضوحی تاریخی قابل مشاهده است.

پیوند تاریخی شهریاری با آسمان، در سند اساطیری ایرانی پیوند جم با مهر، پیامدهای متعددی در آراء سیاسی جامعه در دوران بعد به جا می&گذارد و این حکم اساطیری غیرقابل تغییر و تثبیت شده shy&ی جامعه shy&ی ایران می&شود. درخواست جم برای به دست گرفتن قدرت مرکزی و فرمان shy&فرمایی بر همه shy&ی کشورها و دسته shy&جات مردم قدرت shy&های دیگر را تحت فرمان قدرت واحد مرکزی درمی&آورد، این مسئله گذشته از استبداد شاهی یکی از عوامل نیرومند حفظ تمامیت ایران در دوره shy&های مختلف تاریخی است که با وجود فرمان shy&روایان مستقل و نیمه shy&مستقل متعدد در نقاط مختلف همه shy&طبق فرمان آسمانی و ازلی، مطیع شاه شاهان می&شوند.

در این میان فضیلت، قانون، گناه، کیفر و جزا فردی می&شود یعنی همه در یک نفر، در شخص شاه جمع می&شود او می&شود همه. زمانی که این اصل ساختار فکری یک ملت را پی shy&ریزی می&کند پذیرش انواع قدرت shy&های حاکم ممکن می&شود به شرطی که در نهایت یک نفر در آن مسئولیت داشته باشد و همه shy&ی مسئولیت shy&ها را او بر دوش گیرد.

منابع:

- بهار، مهرداد (1362)؛ **پژوهشی در اساطیر ایران**، انتشارات توس، تهران.
- بهار، مهرداد (1373)؛ **جستاری چند در فرهنگ ایران**، انتشارات فکر روز، تهران.
- پرهام، باقر (1373)؛ **با نگاه فردوسی – مبانی نقد خرد سیاسی در ایران**، تهران: نشر مرکز.
- دادگی، فرنخ (1369)؛ **بندش**، مترجم: مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران.
- دوستخواه، جلیل (به کوشش) (1370)؛ **اوستا**، انتشارات مروارید، تهران.
- طباطبایی، سیدجواد (1367)؛ **درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه shy&سیاسی ایران**، دفتر مطالعات سیاسی و بین shy&المللی، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (1363)؛ **شاهنامه**، به کوشش: ژول مول جلد 1، شرکت کتاب shy&های جیبی، تهران.
- فریزر، جیمز (1383)؛ **شاخه shy&ی زمین**، مترجم: کاظم فیروزمند، نشر آگاه، تهران.

– کریستن shy­سن، آرتور، (1368)؛ نخستین انسان و نخستین شهریار، ترجمه و تحقیق احمد تفصلي – ژاله آموزگار، تهران، نشر نو.

– مقدسي، ابو عبدالله shy­بن shy­احمد (1361)؛ احسن shy­التقاسيم في عرفه الاقاليم، ترجمه shy­علينقي منزوي، نشر مؤلفان و مترجمان، تهران.